احسان به يتيم‏ و مسکین

 **منابع مقاله:**

**کتاب : توبه آغوش رحمت**

**نوشته: حضرت استاد حسین انصاریان**

**احسان به يتيم‏**

كتاب خدا قرآن مجيد در نزديك به هيجده مورد، به محبت به يتيم و حفظ اموال او و تربيت و رشدش سفارش مى‏كند.

«... وَ يَسْئَلُونَكَ عَنِ الْيَتامى‏ قُلْ إِصْلاحٌ لَهُمْ خَيْرٌ وَ إِنْ تُخالِطُوهُمْ فَإِخْوانُكُمْ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ الْمُفْسِدَ مِنَ الْمُصْلِحِ وَ لَوْ شاءَ اللَّهُ لَأَعْنَتَكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» «1».

و از ايتام از تو مى‏پرسند، بگو: صلاح انديشى براى آنان بهتر است، و اگر با آنان معاشرت كنيد بجاست چون برادران دينى شمايند، خداوند مفسد را از مصلح مى‏داند، اگر در امر يتيمان مى‏خواست به شما سخت مى‏گرفت، خداوند توانا و حكيم است.

«وَ آتُوا الْيَتامى‏ أَمْوالَهُمْ وَ لا تَتَبَدَّلُوا الْخَبِيثَ بِالطَّيِّبِ وَ لا تَأْكُلُوا أَمْوالَهُمْ إِلى‏ أَمْوالِكُمْ إِنَّهُ كانَ حُوباً كَبِيراً» «2».

اموال ايتام را پس از رسيدنشان به حد رشد و بلوغ به آنان بدهيد، نامرغوب اموال خود را به مرغوب آنها تبديل ننماييد، اموال آنان را به ضميمه‏ى اموال خود مخوريد كه اين گناهى بزرگ است.

«إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوالَ الْيَتامى‏ ظُلْماً إِنَّما يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ ناراً وَ سَيَصْلَوْنَ سَعِيراً» «3».

آنان كه اموال ايتام را به ستم مى‏خورند، همانا در شكم خود آتش مى‏خورند و به زودى عذاب جهنم را خواهند چشيد.

«... وَ أَنْ تَقُومُوا لِلْيَتامى‏ بِالْقِسْطِ وَ ما تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ كانَ بِهِ عَلِيماً» «4».

درباره‏ى يتيمان قيام به عدالت كنيد، آنچه را از خوبى انجام مى‏دهيد همانا خداوند به آن آگاه است.

«وَ لا تَقْرَبُوا مالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّى يَبْلُغَ أَشُدَّهُ...» «5».

و به مال يتيم جز به آن صورتى كه نيكوتر است نزديك نشويد تا يتيم به حد رشدش برسد.

رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمودند:

مَنْ قَبَضَ يَتيماً مِنْ بَيْنِ الْمُسْلِمينَ الى‏ طَعامِهِ وَشَرابِهِ، ادْخَلَهُ اللَّهُ الْجَنَّةَ الْبَتَّةَ الا انْ يَعْمَلَ ذَنْباً لَايَغْفَرُ «6».

كسى كه جهت خوراندن و نوشاندن، يتيمى را از ميان مسلمانان برگيرد، به طور يقين خداوند او را وارد بهشت مى‏كند مگر اينكه گناه غير قابل بخششى مرتكب شود.

و نيز آن حضرت فرمودند:

انَّ فِى الْجَنَّةِ داراً يُقالُ لَها دارُ الْفَرَحِ، لَايَدْخُلُها الَّا مَنْ فَرَّحَ يَتامَى المُؤمِنينَ‏ «7».

همانا در بهشت خانه‏اى است كه به آن خانه‏ى خوشحالى گفته مى‏شود، آن را وارد نمى‏شود مگر كسى كه ايتام مردم مؤمن را خوشحال نموده.

اتَى النَّبِىَ رَجُلٌ يَشْكُو قَسْوَةَ قَلْبِهِ، قالَ: اتُحِبُّ انْ يَلينَ قَلْبُكَ وَتُدْرِكَ حاجَتَكَ؟

ارْحَمِ الْيَتيمَ، وَامْسَحْ رَأْسَهُ، وَاطْعِمْهُ مِنْ طَعامِكَ، يَلِنْ قَلْبُكَ، وَتُدْرِكَ حاجَتَكَ‏ «8».

مردى به محضر پيامبر شرفياب شد و از سنگدلى شكايت كرد، حضرت فرمودند: علاقه دارى دلت نرم شود و به حاجت خود برسى؟ به يتيم مهربانى كن، دست محبت بر سر او بكش، از غذاى خود به او بخوران، دلت نرم مى‏شود و دست يابى به حاجتت برايت ميسر مى‏گردد.

حضرت على عليه السلام فرمودند:

ما مِنْ مُؤمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ يَضَعُ يَدَهُ عَلى‏ رَأْسِ يَتيمٍ تَرَحُّماً لَهُ الّا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ شَعْرَةٍ مَرَّتْ يَدُهُ عَلَيْهَا حَسَنَةً «9».

هيچ مرد و زن مؤمنى از روى مهربانى دست نوازش بر سر يتيم نكشد جز آنكه به هر مويى كه دستش از روى آن عبور مى‏كند خداوند برايش حسنه‏اى مى‏نويسد.

**احسان به مساكين‏**

مسكين يعنى انسانى كه زمين‏گير شده، و به ضرر و تهيدستى گرفتار گشته، و راه درآمدى براى او نيست.

بر مؤمن، وظيفه‏ى الهى و مسئوليت و تكليف است كه از مال خود به او كمك كند، و با حفظ آبروى او در رفع مشكلاتش بكوشد و به نيازهاى او رسيدگى نمايد.

قرآن مجيد رعايت حال مساكين را واجب مى‏داند، و رسيدگى به امور آنان را جزيى از عبادت حق به حساب مى‏آورد، چرا كه خداوند علاقه دارد مردم به مساكين توجه ويژه داشته باشند، و زمينه‏ى رفاه حال و راحتى معيشت را براى آنان فراهم نمايند.

بى‏توجهى به مساكين امرى فوق العاده ناپسند، و بدون ترديد بر اساس آيات قرآن مجيد موجب عذاب سخت در روز قيامت است.

«وَ آتِ ذَا الْقُرْبى‏ حَقَّهُ وَ الْمِسْكِينَ وَ ابْنَ السَّبِيلِ وَ لا تُبَذِّرْ تَبْذِيراً» «10».

اى رسول من! حقوق مالى خويشاوندان و از كار افتاده و در راه مانده را ادا كن، و از اسراف بپرهيز.

«... وَ آتَى الْمالَ عَلى‏ حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبى‏ وَ الْيَتامى‏ وَ الْمَساكِينَ وَ ابْنَ السَّبِيلِ وَ السَّائِلِينَ وَ فِي الرِّقابِ...» «11».

مردم نيكوكار مال خود را در عين علاقه به آن به خويشاوندان، و ايتام و از كار افتادگان، و در راه مانده، و به درخواست كنندگان مستحق و در طريق آزاد شدن بردگان مى‏پردازند.

«إِنَّمَا الصَّدَقاتُ لِلْفُقَراءِ وَ الْمَساكِينِ وَ الْعامِلِينَ عَلَيْها وَ الْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَ فِي الرِّقابِ وَ الْغارِمِينَ وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِنَ اللَّهِ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ» «12».

همانا صدقات مخصوص به هشت طايفه است: فقرا، مساكين، متصديان امور صدقات، متمايل كردن غير مسلمانان به اسلام، آزادى بردگان، ورشكستگان، راه خدا، در راه مانده. مصرف صدقات در اين هشت مورد فريضه‏اى است از جانب خدا، و خداوند آگاه و حكيم است.

منع مسكين از مال، و عدم توجه به وضع او نه تنها عامل عذاب در آخرت است بلكه آثار سويى در زندگى دنيايى انسان هم خواهد گذاشت.

خداوند در سوره‏ى «ن والقلم» از آيه‏ى 17 تا 33 داستان برادرانى را نقل مى‏كند كه باغ آبادى را از پدر خود به ارث بردند ولى بر خلاف روش پدر كه‏ مردى سخى و دلسوز به حال بيچارگان بود، همان موقعى كه باغ را به ارث بردند در جلسه‏اى بنا گذاشتند كه از فرداى آن شب به احدى از مساكين كمك نكنند، و درب باغ را ببندند و مستحقى را راه ندهند، ولى همان شب به خاطر اين نيت شيطانى و فكر ابليسى و نقشه‏ى شوم، صاعقه‏اى به دستور خداوند آن باغ را با تمام درختان پرثمرش از ريشه و بن سوزاند، و جز مشتى خاكستر سياه از آن منطقه‏ى آباد و سرسبز چيزى باقى نگذاشت.

آنان وقتى صبح زود در باغ را گشودند و آن وضع ناهنجار را ديدند، يكديگر را سرزنش كردند و فرياد برآوردند: واى بر ما كه ما اهل طغيان و تجاوز از حدود الهى و مقررات پروردگاريم!

قرآن مجيد بروز مشكلات، و ظهور فقر و تنگدستى را محصول عواملى از جمله كمك نكردن به مسكين مى‏داند:

«وَ أَمَّا إِذا مَا ابْتَلاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهانَنِ\* كَلَّا بَلْ لا تُكْرِمُونَ الْيَتِيمَ\* وَ لا تَحَاضُّونَ عَلى‏ طَعامِ الْمِسْكِينِ\* وَ تَأْكُلُونَ التُّراثَ أَكْلًا لَمًّا\* وَ تُحِبُّونَ الْمالَ حُبًّا جَمًّا» «13».

و اما وقتى كه انسان را به عرصه‏ى آزمايش دچار كند، و روزى او را تنگ نمايد و وى را به فقر و تهيدستى مبتلا كند، مى‏گويد: پروردگارم مرا خوار و زبون ساخت. نه چنين نيست، شما يتيم را اكرام نمى‏كنيد، و طعام دادن به مسكين را تشويق نمى‏نماييد، و ارث را به تمامى مى‏خوريد، و به شدت مال را دوست داريد! (به طورى كه در قلب شما جز محبت مال وجود ندارد، اين امور است كه به صورت فقر و تنگدستى، و ندارى و خوارى در زندگى شما ظهور و بروز كرده است!)

قرآن مجيد در سوره‏ى مباركه‏ى الحاقه عذابهاى بسيار سختى را براى گروهى از مردم مطرح مى‏كند، و دو عامل را باعث آن عذابها مى‏داند:

1-   عدم ايمان به خداوند

2-    2- رغبت نداشتن به اطعام مسكين.

ترجمه‏ى آن آيات چنين است:

و اما كسى كه پرونده‏ى عملش را به دست چپش دهند، فرياد برمى‏دارد: اى كاش نامه‏ى مرا به من نمى‏دادند، و از حسابم باخبر نمى‏شدم، اى كاش مرگ حيات مرا قطع مى‏كرد، و من وارد محشر نمى‏شدم، ثروت من امروز مرا بى‏نياز از عذاب و خشم خدا نمى‏كند، تمام قدرت و سلطنتم نابود شد، آنگاه از خداوند خطاب مى‏رسد: او را بگيريد و در غل و زنجير ببنديد، سپس به جهنم دراندازيد، آنگاه او را به زنجيرى كه طولش هفتاد ذراع است دركشيد، او به خداوند بزرگ ايمان نياورد، و رغبت به اطعام مسكين نشان نداد! براى او در امروز هيچ دوستى كه به فريادش برسد وجود ندارد، و غذايى جز چرك و خون دوزخيان بهره‏ى او نيست، و كسى جز خطاكاران از آن طعام نمى‏خورد «14»!

راستى توجه به وضع مساكين چه اندازه مهم است كه غافل از آن منفور حق، و مستوجب سخت‏ترين عذاب در روز قيامت است.

از امين وحى جبرييل نقل شده كه فرمود:

انا مِنَ الدُّنْيا احِبُّ ثَلاثَةَ اشْياءَ: ارْشادَ الضّالِّ وَاعانَةَ الْمَظْلومِ وَمَحَبَّةَ الْمَساكِينِ‏ «15».

من از دنيا عاشق سه برنامه‏ام: راهنمايى گمراه، و كمك و يارى دادن به ستمديده و عشق‏ورزى به مساكين.

امام صادق عليه السلام فرمودند:

فَمَنْ واساهُمْ بِحَواشِى مالِهِ وَسَّعَ اللَّهُ عَلَيْهِ جِنانَهُ وَانالَهُ غُفْرانَهُ وَرِضْوانَهُ... «16».

كسى كه با ثروت جمع شده‏اش به مساكين كمك كند، و آنان را براى رفع نيازمنديهايشان يارى دهد، خداوند بهشت او را وسيع نمايد، و او را به غفران و رضوانش برساند.

امام ششم عليه السلام فرمودند:

هركس مؤمنى را غذا دهد تا سيرش كند، احدى اندازه‏ى مزدش را در آخرت نداند، نه فرشته‏ى مقرب و نه پيامبر مرسل، جز خداى جهان كه فقط او به اجر چنين انسانى آگاه است.

از موجبات مغفرت و آمرزش، غذا دادن به مسلمان گرسنه است، سپس حضرت صادق عليه السلام قول خداى عز و جل را خواندند «17».

«أَوْ إِطْعامٌ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْغَبَةٍ\* يَتِيماً ذا مَقْرَبَةٍ\* أَوْ مِسْكِيناً ذا مَتْرَبَةٍ» «18».

يا غذا دادن در روز قحطى و گرسنگى به يتيم خويشاوند، يا به از كار افتاده‏ى خاك نشين.

**پی نوشت ها:**

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

(1)- بقره (2): 220.

(2)- نساء (4): 2.

(3)- نساء (4): 10.

(4)- نساء (4): 127.

(5)- انعام (6): 152.

(6)- الترغيب: 3/ 347.

(7)- كنز العمال: 6008؛ تفسير معين: 12.

(8)- الترغيب: 3/ 349.

(9)- ثواب الاعمال: 199، ثواب من مسح يده على رأس يتيم؛ بحار الأنوار: 72/ 4، باب 31، حديث 9. (10)- اسراء (17): 26.

(11)- بقره (2): 177.

(12)- توبه (9): 60.

(13)- فجر (89): 16- 20.

(14)- الحاقه (69): 25- 37.

(15)- مواعظ العدديه: 147.

(16)- تفسير امام حسن عسكرى: 345، حديث 226؛ تفسير صافى: 1/ 151، ذيل آيه‏ى 83 سوره‏ى بقره؛ بحار الأنوار: 66/ 344، باب 38.

(17)- كافى: 2/ 201، باب اطعام المؤمن، حديث 6؛ وسائل الشيعه: 24/ 309، باب 32، حديث 30627.

(18)- بلد (90): 14- 16.